

The role of general international law in the field of globalization

hossein shahraki , askar jalalian

Date Received : *26 October 2023*

Date Accepted : *30 October 2023*

abstract :

Globalization of public international law is said to be a set of processes by which countries become increasingly connected and dependent. In the period of globalization, which is the period of transcending the national territories and entering the global context, pluralism increases and governments get out of their limited form and find global territory. The importance of globalization is due to the fact that in the present era, the nature of power has changed and besides governments, international civil organizations, international non-governmental organizations, international interstate organizations, informal multilateral organizations, parties, media, Ethnic groups, syndicates, multinational companies, individuals and international public opinion have also played a role, which has caused the international system to become polygonal; Therefore, due to the erosion of the governments' sovereignty along with the fading of the borders, we are witnessing a change in the activity and function of the governments in the space of interaction and competition with transnational and transnational actors, and due to the assimilation and homogenization of rules, concepts and certain legal institutions at the domestic and international levels. It becomes international.

Keywords: international law, general international law, globalization, international system



نقش حقوق بین الملل عام در عرصه جهانی شدن

عسکر جلالیان^۱، حسین شهرکی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

چکیده:

فرآیند جهانی شدن حقوق بین المللی عمومی به مجموعه فرآیندهایی گفته می شود؛ که به موجب آن کشورها به نحو فزاینده ای با هم مرتبط و وابسته می شوند. در دوره جهانی شدن که دوره فرا رفتن از سرزمین های ملی و ورود به متن جهانی است، تکثر گرائی افزایش پیدا می کند و دولت ها از شکل محدود خود خارج و قلمرو جهانی پیدا می کنند. اهمیت جهانی شدن به این دلیل است که در عصر حاضر، ماهیت قدرت متحول شده است و در کنار دولتها، نهادهای مدنی بین المللی، سازمانهای مردم نهاد بین المللی، سازمانهای بین الدول بین المللی، نهادهای چند جانبه غیر رسمی، احزاب، رسانه ها، قومیت ها، سندیکاها، شرکتهای چند ملیتی، افراد و افکار عمومی بین المللی نیز نقش آفرین شده اند؛ که در مجموع موجب چند ضلعی شدن نظام بین الملل شده است. بنابراین با توجه به فرسایش حاکمیت دولتها در کنار کمرنگ شدن مرزها، شاهد تغییر فعالیت و کارکرد دولتها در فضای تعامل و رقابت با بازیگران فراملی و فروملی هستیم. این امر باعث همسان سازی و یکسان سازی قواعد، مفاهیم و نهادهای حقوقی خاصی در سطح داخلی و بین المللی می شود.

کلیدواژه ها: حقوق بین الملل، حقوق بین الملل عمومی، جهانی شدن، نظام بین الملل

Dr_ajalalian@yahoo.com

۱- دانشیار حقوق بین الملل دانشگاه پیام نور تهران

h_shahraki67@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد رفسنجان، رفسنجان، ایران

واژه حقوق بین الملل برای اولین بار توسط یک فیلسوف انگلیسی به نام جرمی بنتام ابداع شد.^۱ طبق تعریف کلاسیک این حقوق شامل مجموعه قوانین حاکم بر روابط بین دولت‌ها می باشد.^۲ در این تعریف ابتدایی، افراد و سازمان‌های بین المللی از دایره شمول حقوق بین الملل خارج هستند در حالی که امروزه با توجه به پیشرفت و اقتضائات جوامع کنونی، حقوق بین الملل مدرن شامل قوانین، هنجارها و استانداردهایی است که میان دولت‌ها و دیگر نهادهایی که به طور قانونی به عنوان بازیگران بین المللی شناخته می‌شوند اعمال می‌شود. با مطرح شدن مسائلی مانند حقوق بشر، امور اقتصادی و تجاری نوین و حقوق مرتبط با فضای ماوراء جو، گستره موضوعات و بازیگران حقوق بین الملل نیز افزایش یافته است. ساختار اصلی حقوق بین الملل از زمان رنسانس در اروپا شکل گرفت. هر چند ریشه‌های آن را می‌توان در حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات میان مردم خاورمیانه باستان مشاهده نمود.^۳ یکی از قدیمی ترین این موافقت نامه‌ها قبل از میلاد مسیح، در منطقه بین النهرین و همچنین در زمان رامسس دوم به وجود آمده است. بسیاری از مفاهیمی که امروزه زیر بنای حقوق بین الملل محسوب می‌شوند در دوران امپراتوری رم پایه ریزی شده‌اند. به عنوان مثال «قانون ملت‌ها» توسط رومی‌ها ابداع شد تا روابط بین خارجی‌ها و شهروندان رومی را اداره کند. این قانون رفته رفته در سطح گسترده تری از جانب سایر کشورها مورد استقبال قرار گرفت.^۴ باید در نظر داشت حقوق بین الملل از مفهومی تحت عنوان آداب و نزاکت بین المللی متمایز است. زمانی که مجموعه اقدامات قانونی غیر الزام آوراز حدود مرزها بگذرند و توسط دول مختلف مورد پذیرش قرار بگیرند در قالب کدهای اخلاقی بین المللی یا همان آداب و نزاکت بین المللی متبلور می‌شوند. قوانین حقوق بین الملل نیز عمدتاً وضعیتی مشابه با آداب بین المللی دارند و مجمع عمومی سازمان ملل متحد از قدرت لازم برای وضع قوانین الزام آور جز در موارد محدود مانند تعیین بودجه‌ی این سازمان، پذیرش اعضای جدید با دخالت شورای امنیت و مواردی از این دست برخوردار نیست.^۵

تعریف حقوق بین الملل عمومی :

حقوق بین الملل مجموعه قواعد و مقرراتی است که بر جامعه بین الملل حاکم است، جامعه بین الملل تحت پوشش یک سلسله قواعد حقوقی بوده و متعهد به رعایت و اجرای کامل آن‌هاست. میان حقوق بین الملل و جامعه بین الملل یک ارتباط جامعه شناختی برقرار است. حقوق بین الملل از آن زمان که جامعه بین الملل را از شکل صرفاً سیاسی خارج نمود و نمادی حقوقی به آن بخشید؛ حقوق جامعه بین الملل تلقی شد.^۶

۱- لاگ، مارک، ۱۳۷۵، اقتصاددانان بزرگ قبل از کینز، غلامعلی فرجادی، بی‌جا، و تقی
 ۲- بنتام، جرمی، ۱۳۸۵، مقدمه‌ای بر اصول اخلاق و قانونگذاری، ترجمه علی قنبریان، نشر فرهیختگان
 ۳- محمدرضا ضیائی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی، ج ۱، ص ۶۳۲، تهران ۱۳۸۴ ش.
 ۴- صالح، علی پاشا؛ (۱۳۹۰)، سرگذشت قانون (مباحثی از تاریخ حقوق، دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز)، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
 ۵- هوشنگ مقتدر، حقوق بین الملل عمومی، ج ۱، ص ۱۴، تهران ۱۳۸۳ ش.
 ۶- میرزایی، سعیده، ۱۳۹۱، عرف بین المللی و نزاکت بین المللی، پایگاه بصیرت <https://basirat.ir/fa/news/۲۶۵۱۸۴>
 ۷- دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «حقوق بین الملل»، شماره ۶۳۴۴

قوانین حقوق بین المللی :

قوانین حقوق بین المللی در حیطة ضمانت اجرا از استحکام لازم برخوردار نیستند و تنها نهاد تصمیم گیرنده در این زمینه شورای امنیت سازمان ملل متحد است که تحت شرایطی می تواند با استفاده از اهرم فشار کشورها را به انجام تصمیمات خود وادار کند.^۱ زمانی این اقدام از سوی شورای امنیت مجاز می باشد که کشور خاطی قبلاً از انجام وظایف خود سرباز زده باشد. یکی دیگر از اختیارات این نهاد داشتن حق وتو (مخالفت با تصویب پیش نویس قانون) از سوی اعضای اصلی شامل آمریکا، فرانسه، انگلیس، روسیه و چین می باشد. قوانین مرتبط در این زمینه معمولاً به ندرت توسط ابزارهای نظامی و یا حتی استفاده از تحریم های اقتصادی به اجرا در می آیند. دولت هایی که قوانین بین المللی را نقض می کنند به علت تحت الشعاع قرار گرفتن اعتباری که نزد دیگر دولت ها دارند روابط آتی آن ها ممکن است؛ با خلل عمده ای مواجه شود.^۲ ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، سه منبع حقوق بین الملل که شامل معاهدات، عرف و اصول کلی حقوقی می شود را شناسایی کرده است. معاهدات در معنای عام دربردارنده موافقت نامه ها، قرارداد های عمومی و منشور می شود که به واسطه آن ها کشورهای مختلفی با شرایط مذاکره شده موافقت می کنند. معاهدات ممکن است دو جانبه یا چند جانبه باشند. عمده معاهدات به جز مواردی که از مذاکرات سلاح های استراتژیک نشات می گیرند به صورت چند جانبه منعقد می شوند. از جمله مهم ترین این معاهدات می توان کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲ را نام برد.^۳ عرف که به عنوان منبع دوم حقوق بین الملل مورد اشاره واقع شده است شامل دو عنصر اساسی می باشد. اولین عنصر، رفتار است که مکرراً از جانب دولت ها صورت گرفته است و دومین عنصر، پذیرش این رفتار در سطح بین المللی می باشد.^۴ سومین منبع اصول کلی حقوقی آنند که به معنای مکانیزمی برای رسیدگی به مسائل بین المللی که پیش از این مشمول معاهدات یا قواعد عرفی نیستند می باشد. یکی از اصول بسیار مهم، اصل حسن نیت است که ناظر بر ایجاد و انجام تعهدات حقوقی می باشد. این اصل در تفسیر معاهدات و ابهام زدایی نقش ویژه ای دارد.

قلمرو حقوق بین الملل :

حقوق بین الملل حقوق جامعه بین الملل است و کلیه قواعد آن بر کل جامعه قابل اجراء می باشد. امروزه معمولاً حقوق بین الملل به دو قلمرو خاص و عام طبقه بندی شده است. حقوق بین الملل عام، مجموعه قواعدی است که در جامعه بین الملل جهانی قابل اجراء است. این قواعد باید از سوی تمام یا اکثریت قابل توجهی از کشورهای بزرگ پذیرفته شده باشد. در این صورت حقوق بین الملل عام حتی برای کشورهایی که رسماً آن را نپذیرفته اند نیز تعهد آور است. مانند عهد نامه ی ۱۹۴۹ ژنو در مورد جنگ! حقوق بین الملل خاص، دسته ای از قواعد و مقررات بین المللی است که رعایت آن فقط در جوامع خاصی که در آن ها حداقل دو کشور گردهم آمده

۱- رضا موسی زاده، سازمانهای بین المللی، ج ۱، ص ۵۳-۵۴، تهران ۱۳۷۸ ش.

۲- ضیائی بیگلری، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲، چاپ هجدهم، ص ۲۰۰-۲۲۰

۳- عبداللهی، محمدعلی، آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی، دفتر مطالعات نظام اسلامی، ۱۳۹۳

۴- عبداللهی، محمدعلی، همان

باشند؛ الزامی است. از جمله موافقت نامه همکاری های اقتصادی - بازرگانی - علمی - فرهنگی دو یا چند جانبه.^۱

جهانی شدن حقوق بین الملل عام :

جهانی شدن فرآیندی است که با تحول تاریخی جوامع انسانی مرتبط است، اما تا قرنهای پانزده و شانزده، توسعه ابعاد آن برجسته نبود. جهانی شدن، فرآیندی است که با آگاهی کنشگران انسانی پیش می رود. پیش از انقلاب کپرنیک و فهم انسان از زمین در نقش یک فضای سیاره ای و جهانی، تقریباً باورنکردنی بود؛ زیرا تا آن زمان ساکنان قاره های مختلف کم و بیش از وجود یکدیگر بی خبر بودند و پس از آن اندیشه شکل گیری اقتصاد جهانی سرمایه داری شکل گرفت. بنابراین جهانی شدن فرآیندی زمانمند، مربوط به دوران اخیر و شروع آن همزمان با نوگرایی است.^۲ جهانی شدن به عنوان موضوعی عمده در روابط بین الملل، ظرف چند دهه اخیر موجب بروز تغییراتی شگرف در نظام بین الملل شده است. این پدیده چند وجهی، چند لایه و چند جانبه، آثار و پیامدهای قابل توجهی را بر نظام بین الملل در بر داشته که برخی از آن آثار و پیامدها از این قرارند: تشدید تعاملهای فرامرزی، وابستگی متقابل کشورها، ارتباطات و پیوندهای بین مرزی، تغییر در ماهیت قدرت، تنوع در نوع و تعداد بازیگران، گسترش حیطه ها و عرصه های تعاملات بین المللی و کشتار در نحوه تأثیرگذاری بازیگران بر فرایندهای تصمیم گیری در روابط بین الملل.^۳ به این ترتیب، جهانی شدن حقوق بین الملل عمومی به عنوان بخشی خاص از جهانی شدن به فرآیندی اطلاق می شود که به همسان سازی و یکسان سازی قواعد، مفاهیم و نهادهای حقوقی خاصی در سطح داخلی و بین المللی می انجامد. این فرایند، تمام قلمروهای هنجاری یا تمام قلمروهای سرزمینی را به طور یکنواخت پوشش نمی دهد اما تأثیرات عمده و جریان سازی بر نظام های حقوقی داخلی و بین المللی بر جای می گذارد. رسالت جهانشمول حقوق بین الملل که از آثار نویسندگانی نظیر کلسن و کانت نشأت می گیرد، امری تازه و بدیع نیست. حقوق بین الملل مدرن با فرسودن دیوار حاکمیت دولت، اراده دولت را برای تقنین در قلمروهای داخلی و بین المللی دچار چالش های فکری و عملی نموده است.^۴ حقوق بین الملل ضمن ایجاد تعهد در حوزه هایی جهانشمول به جهانی شدن حقوق کمک می نماید. به ویژه می توان به تغییر فضای حقوق بین الملل از ساختی دوجانبه گرایانه به سوی اهداف چندجانبه، بین الملل گرایانه و جهانشمول اشاره نمود؛ که ساختار، هنجارها و اهداف حقوق بین الملل را نگرشی تازه بخشیده است.^۵ جهانی شدن حدود صلاحیت داخلی کشورها را کاهش داده است و حاکمیت ملی به شدت در مواردی نظیر مسائل حقوق بشر و یا قوانین تحمیلی توسط ارگانهای مالی و توسعه ای بین المللی متأثر از حقوق فراملی گردیده است؛ به عنوان مصداق این امر میتوان

۱- ارنس هاس، آلن وایتینگ، قلمرو حقوق بین الملل، ترجمه دکتر طباطبایی جلفایی، نشریه کانون وکلا، شماره ۱۰۶، ۱۳۴۶

۲- جلالی پور، حمیدرضا، تیموری، سید رحیم (۱۳۹۳). جهانی شدن سیاست و چالش دولت - سرزمین و بر مطالعات تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۲، شماره ۴، زمستان.

۳- دهشیری، محمد (۱۳۹۳). جهانی شدن و نظام بین الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۱۴، پایی ۱۴، اردیبهشت

۴-،، مقامی، امیر، کارکرد حقوق بین الملل در فرآیند جهانی شدن حقوق نشریه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۳، ۱۳۹۰

۵- مقامی، امیر، همان

به این موضوع اشاره کرد که چگونه یک دولت میتواند در همان معنای سنتی حاکم باشد زمانی که مردم آن میتوانند به یک دادگاه عالی تر مثل دادگاه حقوق بشر اروپا و یا دادگاه عدالت اروپا علیه دولت خود متوسل شوند و این یعنی اینکه قوانین وضع شده در خارج از حکومت بر قوانین وضع شده در درون حکومت ارجحیت دارند. البته این نکته نیز قابل ذکر است که همزمان در سطحی دیگر صلاحیت بین المللی دولتها افزایش یافته چراکه هر دولتی طبق معاهدات موجود نظیر دیوان کیفری بین المللی می تواند نسبت به شرایط موجود در یک کشور و یا سازمان بین المللی مدعی و پیگیر شود.^۱ فرآیند جهانی شدن حقوق از منظر حقوق بین الملل به طور خاص از دو مرحله اساسی تشکیل شده است:

۱. جمع آوری، کشف و شناسایی هنجارها و قواعد جهانی

۲. تکثیر این هنجارها و قواعد در سطوح مختلف حقوقی در گستره جهانی یا حداقل خیلی وسیع و گسترده^۲

۱. شناسایی هنجارهای بین المللی:

نخستین گام در فرآیند جهانی شدن حقوق، مرحله جمع آوری، کشف و شناسایی هنجارها و قواعد جهانی است که بتواند قابلیت پذیرش بین المللی و جهانی داشته باشد.^۳

مفاهیم کلیدی این مرحله عبارتند از:

سازمانهای بین المللی:

سازمانهای بین المللی و در رأس آنها سازمان ملل متحد از طریق کمیسیون حقوق بین الملل نقش کلیدی در تدوین قواعد حقوق بین الملل دارد یا کمیسیون تجارت بین المللی ملل متحد که در تلاش برای یکسان سازی قواعد تجارت در عرصه بین المللی حائز اهمیت است.^۴ در همین مبحث، کمیسیون حقوق بشر قبلی و شورای حقوق بشر کنونی و همچنین کمیته حقوق بشر مبتنی بر میثاق حقوق مدنی و سیاسی که بر اجرای قواعد حقوق بشر در کشورهای عضو میثاق و حتی با استفاده از رویه هایی مانند قطعنامه ۱۵۰۳ شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد بر سایر کشورها نظارت دارد و سایر ارکان خود، حتی در مواردی شورای امنیت، تلاش می نماید؛ قواعد نسبتاً یکسان یا مشابهی در برخی زمینه ها و یا عرفهای موجود را کشف و منظم نمایند. همچنین است وضعیت سازمانهای دیگری همچون سازمان بین المللی کار که روابط کار را بر «تدوین» صرفاً اساس مقاوله نامه ها و توصیه نامه ها در چارچوب اساسنامه خود در سراسر جهان تنظیم می نماید. همچنین نقش سازمان تجارت جهانی، هم در جهانی شدن اقتصاد و هم

۱- کیانی و عباسی، مجید و علی اکبر، حکمرانی جهانی و حقوق جهانی؛ گذار از حقوق بین الملل دولتمحور در عصر جهانی- شدن، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، شماره ۹، خرداد ۱۳۹۱

۲- مقامی، امیر، همان

۳- شریعت باقری، محمدجواد، حقوق کیفری بین المللی، نشر جنگل، تهران، ۱۳۸۴

۴- بیگ زاده، ابراهیم، تاثیر سازمانهای غیردولتی در شکل گیری و اجرای قواعد بین المللی، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، ۱۳۷۴

در جهانی شدن حقوق، بی بدیل است. با توجه به روشهای مشخص حقوقی و اقتصادی برای حل و فصل اختلافات در این نهاد، این سازمان نسبت به سازمان بین المللی کار، ضمانت اجرای بیشتری برای پیشبرد اهداف یکسان سازی خود در دست دارد.^۱

دیپلماسی چندجانبه :

دیپلماسی چند جانبه نیز در جهانی شدن حقوق در سازمانهای بین المللی یا معاهدات بین المللی نقش اساسی ایفا می کند. به هنگام تصویب معاهداتی که اصولاً از خصلت جهان شمولی برخوردارند، مانند میثاقها و اسناد خاص حقوق بشر، کنوانسیونهای مربوط به حقوق بشردوستانه و یا معاهده هایی چون معاهده رم ۱۹۹۸ برای تأسیس دیوان کیفری بین المللی یا حتی سایر معاهدات مربوط به حقوق بین الملل عمومی مثل کنوانسیون ۱۹۸۲ مونته گوبی حقوق دریاها یا کنوانسیون های مختلف مربوط به حقوق دیپلماتیک و کنسولی و... جهانشمولی مورد نظر مؤسسان و بنیانگذاران جهت تدوین و تصویب کنوانسیون های مزبور، بدون تبادل نظر، چانه زنی، مذاکره، یارگیری و حتی بده - بستان های سیاسی تأمین نمی شود. زیرا متن نهایی باید حتی الامکان مورد وفاق جامعه بین المللی باشد. از همین روست که تلاش می شود؛ این معاهدات از طریق اجماع و نه با رأی گیری به تصویب برسند. طی قرن بیستم به ویژه با تشکیل جامعه ملل و پس از آن سازمان ملل متحد، این نوع از دیپلماسی اهمیت بیشتری پیدا کرد و با توجه به صلاحیت عام سازمان ملل و توجه جامعه جهانی به حل اختلافات از طرق مسالمت آمیز به ویژه روش سیاسی مذاکره بر اهمیت آن افزوده شده است.^۲

نقش سازمانهای بین المللی در جهانی شدن :

علاوه بر معاهدات بین المللی، شناسایی قواعد ممکن است از طریق سازمانهای بین المللی، قطعنامه ها و اسناد آنها ناشی شود. در این راستا، نقش سازمانهای تخصصی خاص، سازمانهای با صلاحیت عام و سازمان های غیر دولتی مورد بررسی قرار می گیرد.^۳

سازمانهای تخصصی :

یکی از سازمانهای تخصصی که نقش موثری در شناسایی قواعد حقوقی دارد؛ سازمان بین المللی کار است زیرا تقریباً مسائل، خواستها و نیازهای جامعه کارگری در همه جهان یکسان است و این امر به یکسان سازی قوانین کار کشورهای جهان به وسیله سازمان بین المللی کار منجر شده است که اساساً مبتنی بر اعلامیه ۱۹۹۸ سازمان بین المللی کار در مورد اصول و حقوق بنیادین کار بوده است. بر این اساس دولتهای عضو موظفند گزارش خود را در باره تصویب و اجرای مقابله نامه ها به سازمان ارائه کنند. اصل بر این است که مقابله نامه باید به تصویب دولت های عضو برسد. در غیر اینصورت دولتی که آن را تصویب نکرده است؛ باید عوامل دخیل در عدم تصویب

۱- کمالی، عبدلی و دیگران، محبوبه و مهران و دیگران، جایگاه حقوق بین الملل در عرصه جهانی شدن، کنفرانس بین المللی

پژوهش در علوم و تکنولوژی، روسیه، مرداد ۱۳۹۵

۲- رنجبری، ابوالفضل (۳۱۵۱)، حقوق کار، چاپ ششم، تهران: مجد

۳- سماواتی، حشمت اهلل (۳۱۵۹)، حقوق تجارت بین الملل، چاپ سوم، تهران: ققنوس.

مقاله نامه را به دفتر بین المللی کار توضیح دهد. مهم ترین ضمانت اجرای عدم تصویب مقاله نامه ها بدون عذر موجه، اعلام عمومی نام دولت متخلف است.^۱

سازمانهای با صلاحیت عام :

اعلامیه ها و قطعنامه های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل درباره برخی مسائل حقوقی، نشانه ایده ها و ایده آل هایی است که می تواند در حقوق داخلی کشورها منعکس گردد. به عنوان مثال، مجمع عمومی چندین قطعنامه درباره سیاست کیفری تصویب نموده است که در جای خود به آنها اشاره خواهد شد. به همین نحو است وضعیت برخی قطعنامه های شورای امنیت که از میان آنها می توان به قطعنامه های مربوط به تأسیس دو دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق (قطعنامه شماره ۵۱۹) و رواندا (قطعنامه ۳۸۸) در سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ اشاره نمود که حاوی تعهداتی برای دولتهای عضو نیز هست. ماده ۹۳ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق، دولتها را مکلف می کند در انجام تحقیقات و تعقیب اشخاصی که نزد این دادگاه متهم هستند؛ با دادگاه همکاری نمایند و هرگونه تقاضای تعاون قضایی و یا هرگونه دستوری از شعب دادگاه را بدون تأخیر ناموجه به اجرا بگذارند. یا این که شورا در ۱ اگوست ۲۰۰۰ با تصویب قطعنامه ۱۳۱۵ اقدام به تشکیل دادگاه اختصاصی سیرالئون نمود که به طور مثال در این قطعنامه، مخالفت شورای امنیت با عفو متهمین به جنایات بین المللی می تواند؛ پایه نظریات حقوقی دیگری در این خصوص باشد.^۲

سازمانهای غیر دولتی :

این سازمانها نیز در شناسایی قواعد حقوقی تاثیرگذار بوده اند. بسیاری از قواعد حقوق تجارت بین الملل برگرفته از قواعد مصوب اتاق بازرگانی بین المللی است که یک نهاد غیر دولتی و مجمعی از بازرگانان خصوصی تنظیم و تدوین کند. علاوه بر این، سازمانها در حوزه حقوق بشر نیز به عنوان رکن مهم و بنیادین روند جهانی شدن حقوق، نقش پررنگی دارند. البته عمده فعالیت آنها متمرکز بر اجرا و تضمین رعایت قواعد حقوق بشر است.^۳ به عنوان مثال، این سازمانهای غیر دولتی حامی حقوق محیط زیست بودند که بانی نظرخواهی مشورتی از دیوان بین المللی دادگستری در باره کاربرد سلاحهای هسته ای به وسیله سازمان جهانی بهداشت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ شدند و نهایتاً این سازمانها نقش برجسته خود را در مراحل تدوین اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به نمایش گذاشتند؛ تا جایی که گزارشهای این سازمانها طبق ماده ۱۵ اساسنامه رم می تواند منبعی معتبر برای آغاز تحقیقات قضایی به وسیله دادستان

۱- دلماس مارتی، میری (۲۰۱۰)، «دیوان بین المللی کیفری و میانکش های حقوق داخلی و بین المللی»، روح الدین کرد علیوند، مجله حقوقی، ۱۱.

۲- کمالی، محبوبه، عبدلی، مهران، باستان، الناز و خرمی، علیرضا (۱۳۹۵). جایگاه حقوق بین الملل در عرصه جهانی شدن، چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، سن پترزبورگ - روسیه، مرداد

۳- زایدل، آیگناتس و هوهن فلدن، حقوق بین الملل اقتصادی، ترجمه سید قاسم زمانی، تهران، شهر دانش، ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۱.

دیوان باشد.^۱ سازمان دیگری که در این عرصه فعالیت گسترده ای دارد سازمان عفو بین الملل است از جمله فعالیتهای این سازمان می توان به گزارش نسبتا مفصل آن در باره تعهدات دولت ها در باره صلاحیت جهانی اشاره کرد که به وظیفه دولتها در وضع و اجرای قوانین مربوط به صلاحیت جهانی در باره جرائم بین المللی می پردازد. با توجه به این موارد و توضیحات می بینیم سازمانهای بین المللی بر روند شناسایی قواعد حقوقی تاثیرگذار بوده اند.^۲

۲. تکثیر و گسترش هنجارهای بین المللی :

گام دوم فرایند جهانی شدن، پذیرش قواعدی که طبق موازین تقنینی حقوق بین الملل، کشف، تنظیم و تدوین شده اند؛ توسط کشورهای جهان است تا موجبات گسترش و تکثیر آنها فراهم گردد. تکثیر و توزیع قواعد شناسایی شده ابتدا در مورد معاهدات بین المللی روشن است. وقتی قاعده ای طبق معاهدات بین المللی شناسایی شد؛ نمایندگان دولتهای عضو اقدام به امضای آن می کنند و در حقوق اساسی کشورهای مورد نظر لحاظ می شود.^۳ البته طبق ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در باره حقوق معاهدات، «رضایت کشوری به التزام در قبال معاهده ای از طریق امضا، مبادله اسناد تشکیل دهنده معاهده، تنفیذ، پذیرش، تصویب یا الحاق یا به هر وسیله دیگر که مورد توافق قرار گرفته باشد» اعلام می شود. معمولا در معاهدات، تصویب معاهده به وسیله هرکشور بر اساس حقوق اساسی خود به وسیله مرجع یا مراجع صلاحیت دار، به منزله اعلام رضایت دولت نسبت به لازم الاجرا شدن آن معاهده تلقی می شود. روند تکثیر قواعد هنگامی که قاعده حقوقی بر اثر معاهده های بین المللی شناسایی می شود بسیار شفاف، آشکارتر و به راحتی از نظر حقوقی قابل توضیح و توجیه خواهد بود.

تاثیر جهانی شدن بر ساختار نظام بین الملل :

جهانی شدن هم موجب از بین رفتن تمایز بین درون و برون شده و همچنین موجبات تولید الگوهای جدید قدرت را فراهم آورده که متضمن تغییراتی عمیق در شیوه های رفتار بازیگران و نیز در ساختارهای توسعه یابنده در جهان پیچیده کنونی بوده است.^۴ در عصر جهانی شدن، روابط افقی قدرت بین مرزهای ملی از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. در این رهگذر، نوعی گذار به ابعاد نوظهور قدرت، اصالت یافتن مشخصه های فرهنگی، معنایی، هنجاری، گفتمانی و نامتقارن و اشاعه معانی غیرنظامی قدرت مانند قدرت اقتصادی، قدرت تکنولوژیک، قدرت بازیگری و قدرت اجماع سازی در عصر جهانی شدن، در حال رخ دادن است. ظهور بازیگران غیر دولتی از سازمانها گرفته تا حتی افراد و نقش آفرینی آنها در کنار دولتها، یکی از ویژگیهای دوران انتقالی در نظام بین الملل به شمار می آید. بدین ترتیب، منابع غیر نظامی قدرت

۱- جلالی، محمود، مقامی، امید (۱۳۹۰). کارکرد حقوق بین الملل در فرایند جهانی شدن، فصلنامه حقوق؛ مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۳، پائیز.

۲- احمدیان، فاطمه، حقوق بین الملل عمومی و سازمانهای بین المللی، تهران، ناشر پوران پژوهش، ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۷۹-۸۱.

۳- کمالی و عبدلی، همان

۴- اسلوتر، آن ماری و ویلیام بروک-سویت (۲۰۱۵)، «آینده حقوق بین الملل، حقوق داخلی (یا حقوقی مشابه حقوق اروپایی) است؟»، محمدعلی صلح چی و هیبت اهلل نژندی منش، سیاست خارجی، سال ۹۰، شماره ۱.

و به ویژه قدرت اقتاعی و گفتمان های تأثیرگذار جهانی در شکل گیری ساختار آتی روابط بین الملل نقش برجسته ای دارند.^۱ ارتقای نقش و گستره فعالیت سازمانهای بین المللی بین الدول، نهادهای بخش خصوصی، نهادهای مالی جهانی و نهادهای مدنی بین المللی، موجب هم پیوندی دولتها در نظام بین الملل شده و وابستگی و نزدیک شدن دولت - ملتها به یکدیگر را سبب گردیده است. پیوستگی متقابل دولتها به یکدیگر و تغییر ظرف فعالیت آنها از تصدی گری به تنظیم کننده روابط بین نهادهای داخلی، منطقه ای و جهانی، موجب بروز نظم جهانی پساوستفالی شده است. از این فرایند جهانی شدن با عناوین عصر اطلاعات، عصر ارتباطات، جامعه شبکه ها، تمدن چهارم، تمدن انفورماتیکی و ... یاد می شود؛ که باعث ایجاد تغییر در ماهیت قدرت، نوع و تعداد بازیگران نظام بین الملل شده است.^۲

تأثیر جهانی شدن بر کارکرد نظام بین الملل :

در عصر جهانی شدن، فرایندها در مقایسه با ساختارها اهمیت بیشتری دارد. تغییرات در عصر حاضر سریع و زودگذر است و اقتصاد جهانی، محیط زیست و فناوری دائماً در حال تغییر است. همین پیچیدگی شرایط معاصر، باعث افزایش تعاملات و تمایلات منطقه ای، پیوند عمیق جوامع، ماهیت جامعه بشری و در نهایت تحول نظام بین الملل شده است. نظامها در دولت ها به نظام های چند لایه و چندجانبه حکمرانی جهانی بدل شده به طوری که دولت ها، ملت ها، سازمان های بین المللی و نهادهای جامعه مدنی بین المللی به عنوان یک کل به هم پیوسته در دهکده جهانی فعالیت می کنند.^۳

نتیجه گیری :

سازمانهای بین المللی اعم از دولتی و غیردولتی، حرفه ای یا عام همگی عملاً توانسته اند گستره وسیعی از قواعد و هنجارهای حقوقی را که قابلیت پذیرش جهانی دارند از طریق معاهدات بین المللی، اساسنامه ها، اسناد پیشنهادی و قطعنامه ها، جمع آوری و شناسایی نمایند. هنگامی که شناسایی یک قاعده از طریق معاهده ای بین المللی صورت می پذیرد؛ تکثیر قواعد در حقوق کشورهای مختلف از طریق تصویب معاهده و انطباق قوانین داخلی با آن به عنوان یک تعهد بین المللی و برای رهایی از مسؤولیت بین المللی انجام می پذیرد.

منابع :

۱. احمدیان، فاطمه، حقوق بین الملل عمومی و سازمانهای بین المللی، تهران، ناشر پوران پژوهش، چاپ اول (۱۳۸۶)
۲. ارنس هاس، آلن وایتینگ قلمرو حقوق بین الملل، ترجمه دکتر طباطبایی جلفایی، نشریه کانون وکلا، شماره ۱۰۶ (۱۳۴۶)
۳. اسلوتر، آن ماری و ویلیام بروک - وایت «آینده حقوق بین الملل، حقوق داخلی (یا حقوقی مشابه

۱- بیگ زاده، ابراهیم، همان

۲- کاسسه، آنتونیو (۳۱۵۸)، حقوق بین الملل، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، چاپ اول، تهران: میزان.

۳- دهشیری، محمد (۱۳۹۳). جهانی شدن و نظام بین الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۱۴، پیاپی ۱۴، اردیبهشت.

حقوق اروپایی) است؟»، محمدعلی صلح چی و هیبت اهل نژندی منش، سیاست خارجی، سال ۹۰، شماره ۱. (۱۳۸۵)

۴. بتام، جرمی، مقدمه ای بر اصول اخلاق و قانونگذاری، ترجمه علی قنبریان، نشر فرهیختگان (۱۳۸۵)

۵. بیگ زاده، ابراهیم، تاثیر سازمانهای غیردولتی در شکل گیری و اجرای قواعد بین المللی، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵ (۱۳۷۴)

۶. جلالی، محمود، مقامی، امید. کارکرد حقوق بین الملل در فرایند جهانی شدن، فصلنامه حقوق؛ مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۳، پائیز (۱۳۹۰)

۷. جلائبی پور، حمیدرضا، تیموری، سید رحیم. جهانی شدن سیاست و چالش دولت - سرزمین وبر، مطالعات تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۲، شماره ۴، زمستان. دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «حقوق بین الملل»، شماره ۶۳۴۴ (۱۳۹۳)

۸. دلماس مارتی، میری، «دیوان بین المللی کیفری و میانکنش های حقوق داخلی و بین المللی»، روح الدین کرد (۱۳۵۰)

۹. دهشیری، محمد. جهانی شدن و نظام بین الملل، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۱۴، پیاپی ۱۴، اردیبهشت

۱۰. رنجبری، ابوالفضل حقوق کار، چاپ ششم، تهران: مجد (۱۳۵۱)

۱۱. زابدل، آیگناتس و هوهن فلدن، حقوق بین الملل اقتصادی، ترجمه سید قاسم زمانی، تهران، شهر دانش، چاپ اول. (۱۳۷۹)

۱۲. سماواتی، حشمت الله، حقوق تجارت بین الملل، چاپ سوم، تهران: ققنوس. (۱۳۹۵)

۱۳. شریعت باقری، محمدجواد، حقوق کیفری بین المللی، نشر جنگل، تهران (۱۳۸۴)

۱۴. صالح، علی پاشا؛ سرگذشت قانون (مباحثی از تاریخ حقوق، دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز)، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران (۱۳۹۰)

۱۵. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ هجدهم (۱۳۸۳)

۱۶. عباسی، مجید، کیانی، علی اکبر، حکمرانی جهانی و حقوق جهانی؛ گذار از حقوق بین الملل دولت محور در عصر جهانی شدن. نشریه مطالعات راهبردی، شماره ۹، زمستان. (۱۳۹۱)

۱۷. عبداللهی، محمدعلی، آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی، دفتر مطالعات نظام اسلامی (۱۳۹۳)

۱۸. کاسسه، آنتونیو، حقوق بین الملل، ترجمه حسین شریفی طرازکوهی، چاپ اول، تهران: میزان. (۱۳۸۵)

۱۹. کمالی، محبوبه، عبدلی، مهران، باستان، الناز و خرمی، علیرضا (۱۳۹۵). جایگاه حقوق بین الملل در عرصه جهانی شدن، چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، سن پترزبورگ - روسیه، مرداد

۲۰. کمالی، محبوبه، عبدلی، مهران، باستان، الناز و خرمی، علیرضا (۱۳۹۵). جایگاه حقوق بین الملل در عرصه جهانی شدن، چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، سن پترزبورگ - روسیه، مرداد.

۲۱. کیانی و عباسی، مجید و علی اکبر، حکمرانی جهانی و حقوق جهانی؛ گذار از حقوق بین الملل دولتمحور در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، شماره ۹، خرداد (۱۳۹۱)

۲۲. لاگ، مارک، اقتصاددانان بزرگ قبل از کینز، غلامعلی فرجادی، بی جا، وثقی (۱۳۷۵)

۲۳. محمدرضا ضیائی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی، ج ۱، تهران (۱۳۸۴)

۲۴. مقامی، امیر، کارکرد حقوق بین الملل در فرایند جهانی شدن حقوق نشریه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۳ (۱۳۹۵)



۲۵. مقتدر، هوشنگ، حقوق بین‌الملل عمومی، ج ۱، تهران (۱۳۸۳)
۲۶. موسی‌زاده، رضا، سازمانهای بین‌المللی، ج ۱، تهران (۱۳۷۸)
۲۷. میرزایی، سعیده، عرف بین‌المللی و نزاکت بین‌المللی (۱۳۹۱)

Translation Of The Foundation For The Formation Of The
Constitution In Iran

Anis Porkhosravani

Date Received : 26 October 2023

Date Accepted : 30 October 2023

abstract :

Translation in its current form started from the Qajar period. The movement of Iranians to Europe and the education of Iranian students in the West, as well as the establishment of Dar al-Funun and the teaching of European professors in it, showed the necessity of dealing with translation even more. The acquaintance of Iranians living in Europe and some Iranian employees of European embassies with the thoughts of Europeans provided the basis for Iranians to pay attention to social, cultural and political differences with European countries. Iranians turning to the translation of scientific texts and various European achievements paved the way for political and social reforms and the establishment of the rule of law. In this article, the role and position of translation in the creation of political and social developments leading to the formation of the constitutional revolution and the regulation of the constitution in Iran is analyzed and investigated with the descriptive-analytical method. The results of this research show that translation has been able to serve social reforms and, in a period of time, lay the foundation for the formation of Iranian society.

Key words: translation, constitutional revolution, political reforms, constitution